



مرکز تحقیقات اسلامی

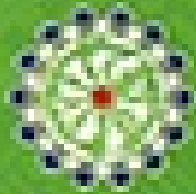
اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



مجلس شورای اسلامی ایران



# در مکتب اهل بیت علیهم السلام

جلد ۲

نظریه عدالت صحابه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نظریه عدالت صحابه

نویسنده:

عبدالرحیم موسوی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	نظریه عدالت صحابه
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۴	سخن مجمع
۱۸	مقدمه
۲۶	ائمه دوازده گانه جوهره مفهوم مهدویت
۳۰	فصل اول: اثبات عقیدتی مفهوم مهدویت از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام)
۳۰	اشاره
۳۶	سرگردانی پیروان خلفا در تفسیر حدیث!
۴۸	فصل دوم: ویژگیهای مفهوم مهدویت از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام)
۴۸	اشاره
۴۸	ویژگی اول: ولادت مخفیانه حضرت مهدی (عج) که مورد عنایت بوده و گریزی از آن وجود نداشته است
۴۸	اشاره
۵۰	شواهد تاریخی بر وجود امام مهدی (علیهم السلام)
۵۰	۱- شهادت امام حسن عسکری (علیهم السلام) به ولادت پسرش امام مهدی (عج)
۵۱	۲- شهادت قابله
۵۲	۳- شهادت دیگران بر دیدن امام مهدی (عج)
۵۴	۴- برخورد سلطنت عباسیان با این حادثه
۵۸	۵- اعترافات علمای اهل تسنن به ولادت حضرت مهدی (عج)
۵۹	درباره مرکز

## نظریه عدالت صحابه

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: نظریه عدالت صحابه [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات ، عبدالرحیم موسوی ؛ مترجم : گروهی از مترجمان ؛ تهیه کننده: اداره ترجمه معاونت فرهنگی؛ ویراستاری: امرا... نصیری

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۵۳ص. ۲۱×۱۴/۵ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیه السلام؛ ۲

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۹۳.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۷۹۳۵

ص: ۱

اشاره



بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣





نظريه عدالت صحابه

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات ، عبدالرحيم موسوی

ص: ۵







«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)] ... معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیهم السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیهم السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیهم السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با

محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱





وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیهم السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیهم السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

---

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اِتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابراین بر مسؤلان و رهبران اُمّت و بر آحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتّفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؟

- ما که بزرگ ترین موفقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزّی و اعلان و تحقّق کلمه توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؟

- ما که خطبه های غزّای توحیدی مولی الموحّدين امیر المؤمنین (علیهم السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؟

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیهم السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیهم السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیهم السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الْمَذَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم کیف یحکمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی(علیهم السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

---

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶ / ۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صبّاغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، ساباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزاوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان....

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی(علیهم السلام) و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد- چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصاره انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (1) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود!. اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعه «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوين قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

ص: ۱۹

---

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱- ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲- سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳- ۵- سید عبدالرحیم موسوی، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶- ۹- شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰- ۱۳- سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)



معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.  
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

## ائمه دوازده گانه جوهره مفهوم مهدویت

اعتقاد به ظهور منجی عالم بشریت - که جوهره اندیشه مهدویت در اسلام است - یک باور فراگیر بشری است که به دین، یا مذهب معینی اختصاص ندارد و این حقیقت، قابلیت آن را دارد که همزمان چهار شبهه وارده به مسأله مهدویت را ساقط کند:

شبهه اول: شبهه ای است که مهدویت را خاص شیعه می داند، به ویژه آن که اجماع مسلمانان بر این مسأله را اثبات می کند.

شبهه دوم: شبهه ای است که می گوید: مهدویت یک «افسانه» است و از تخیلات ساخته شده است؛ زیرا افسانه، خیالات ساده ای است که از واقعیتی قبیله ای، قومی، یا گروهی ساخته شده است و افسانه ای که تمام ادیان آسمانی و غیر آسمانی آن را به گونه ای قبول داشته باشند و خبر از ضمیر ناخود آگاه بشریت بدهد و مورد پذیرش دانشمندان و اندیشمندان و فلاسفه باشد، وجود ندارد.

شبهه سوم: شبهه ای است که می گوید: یهودیان در ایجاد اندیشه مهدویت، نقش داشته اند. اگر اندیشه مهدویت در تمام ادیان آسمانی و غیر آسمانی وجود دارد، پس چرا وجود آن را در اسلام بر نمی تاییم؟ در صورتی که مقتضای عقل و منطق این است که به

صورت واضح تر و کاملتری این اندیشه را در برداشته باشد؛ چنان که اندیشه اهل بیت (علیهم السلام) چنین است.

بنابراین، از نشانه های کمال دین اسلام و به خصوص مکتب اهل بیت (علیهم السلام) این است که دارای اندیشه مهدویت باشد. و آیا ادیان آسمانی، در بسیاری از عقاید و شرایع همانند: حج، روزه، نماز و ... با هم مشترک نیستند؟ و در این صورت، آیا تصریح یهودیت، یا دین دیگری به این حقایق، باعث می شود که اسلام از آن دور باشد؟ یا این که اقتضا می کند اسلام آنها را به صورت کاملتر و پیشرفته تر در بر داشته باشد؟ پس این شبهه بیانگر وجود نقص و عیب در صاحبانش و کمال در اسلام و به خصوص تشیع است.

شبهه چهارم: شبهه ای است که می گوید: اندیشه مهدویت، زائیده فشارهای سیاسی و اجتماعی است که پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در آن به سر می برده اند.

باید گفت که: خوارج با فشاری بیش از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) مواجه بودند، اما چنین عقیده ای نداشتند و اگر فشار و اختناق باعث بروز چنین اندیشه ای می شد، هر آینه می بایست که بسیاری از مظلومین و رنج دیدگان، دارای چنین اندیشه ای باشند، در حالی که چنین نیست. و چه بسیارند کسانی که تحت هیچ گونه رنج و فشاری نبوده اند، اما به مهدویت ایمان داشته اند و اگر مهدویت، زائیده فشار و اختناق باشد، بایستی به هنگام رفع فشار و رنج، این اندیشه زایل

شود، اما برعکس، می بینیم که در نسلهای بعدی که مواجه با رنج و فشار نبوده اند، این اندیشه بیشتر رشد و توسعه یافته است.

تنها چیزی که می توان ادعا کرد این است که: فشارهای سیاسی و اجتماعی، باعث گرایش بیشتر به اندیشه مهدویت می گردد، نه این که اصل و اساس آن را ایجاد می کند.

در واقع، «دین»، تعبیری کاملتر از حقایق انسانی است و «اسلام»، تعبیر کاملتری از حقایق دینی و مدرسه اهل بیت (علیهم السلام) تعبیر کاملتر از حقایق اسلامی است.

هنگامی که ادیان به اندیشه ظهور منجی بشریت تصریح می کنند، در واقع به یک خواست درونی و فطری بشر اشاره می کنند و وقتی که اسلام آن را به صورت کاملتر و جدیدتر از ادیان سابق، بیان می کند، علاوه بر تأکید به یک حقیقت غیبی، به این خواست فطری بشر تأکید می ورزد و هنگامی که اهل بیت (علیهم السلام) با صراحت و تأکید بیشتری به مهدویت می پردازند، در واقع به صورت کاملتر و واضح تر به این حقیقت اسلامی اشاره می کنند.

پس تفاوت مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و مکتب خلفا در این است که: یکی آن را به صورت محدودتر و دیگری آن را به صورت وسیع تر و کاملتری بیان می کند و در این حال، برخی گمان می کنند که مکتب اهل بیت (علیهم السلام) راه غلو و تندروی را در پیش گرفته است! و شاید سرّ اشتها تشیع به مهدویت، این پندار که مهدویت، اندیشه اختصاص تشیع است و مورد پذیرش همه مسلمانان نمی باشد، این

است که آن را در حدّ کمال بیان می‌دارند و این اندیشه نزد ایشان ویژگیهای منحصر به فردی دارد که بیانگر حقیقت آرمانی مهدویّت است.

همه این ویژگیها از یک محور سرچشمه می‌گیرند و آن این است که مهدویّت، در نگاه اهل بیت (علیهم السلام) یک آینده نگری صرف و پیشگویی از سعادت بشر در پایان جهان نیست؛ چنان که مکتب خلفا آن را چنین می‌بیند بلکه جزئی انفکاک ناپذیر از عقیده امامیه اثنی عشریه است که از طرف خدای متعال معین شده است و این عقیده بلافاصله بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شروع شده و تا آخرالزمان را نیز در بر می‌گیرد.

به عبارت دیگر: مسأله امامت دوازدهمین امام از سال ۲۶۰ هجری شروع شده و تا الان ادامه یافته و این امامت، تا ظهور دوازدهمین امام در آخرالزمان ادامه می‌یابد.

وقتی که ما مسأله مهدویّت را از نگاه اهل بیت (علیهم السلام) بررسی می‌کنیم، باید به این محور عقیدتی توجه داشته باشیم و از یک سو، با دلیل و برهان در صدد اثبات آن باشیم و از سوی دیگر، ویژگیهای مترتب بر آن را بررسی نماییم و از سوی دیگر، ارزش عقیدتی مترتب بر این اندیشه را بازگو نماییم، پس در این تحقیق، سه مرحله خواهیم داشت که هر کدام را جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

دلیل عقیدتی این اندیشه در صدها روایتی که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شده (۱) متبلور است که بر تعیین مهدی (عج) و این که او از اهل بیت (علیهم السلام) (۲) است، دلالت می کند. و این که

ص: ۲۵

۱- (۱) - ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی: ۱/ احادیث النبوی.

۲- (۲) - مسند امام احمد: ۱/ ۸۴/ ح ۶۴۶؛ مسند ابن ابی شیبہ: ۸/ ۶۷۸/ کتاب ۴۰/ باب ۲/ ح ۱۹۰. ابن ماجه و نعیم بن حماد در الفتن از علی\* نقل کرده اند که فرمود: رسول الله فرمود: مهدی از ما اهل بیت می باشد که خداوند یک شبه کار او را اصلاح می کند. در سنن ابن ماجه: ۲/ ۱۳۶۷/ ح ۴۰۸۵ و در الحاوی سیوطی: ۲/ ۲۱۳ و ۲۱۵ آمده است: احمد و ابن ابی شیبہ و ابوداؤد از علی\* از پیامبر اکرم روایت کرده اند: اگر از دنیا تنها یک روز مانده باشد، خداوند از اهل بیت من کسی را مبعوث می کند که آن را پر از عدل و داد کند، پس از آن که پر از ظلم و جور شده است. و در صحیح سنن المصطفی هم به این حدیث اشاره شده است. همچنین به معجم احادیث المهدی: ۱/ ۱۴۷ مراجعه کنید که احادیث بسیاری را از صحاح و مسانید در این موضوع جمع آوری کرده است. و به موسوعه الامام المهدی که به وسیله مهدی فقیه ایمانی تنظیم شده است، نگاه کنید. در جزء اول این موسوعه تصویر نقل قولهایی از دهها کتاب علمای اهل سنت و محدثان آنان در مورد مهدی و صفات آن حضرت جمع آوری شده است. در این جزء، تصویر نسخه ای از سخنرانی شیخ عباد در مورد احادیث و آثاری که درباره مهدی نقل شده آمده است. برای مراجعه به روایتی که مهدی را نهمین فرزند از نسل حسین\* می داند، به این منابع مراجعه کنید: ینابیع الموده/ قندوزی حنفی: ۴۹۲؛ مقتل الحسین/ خوارزمی: ۱/ ۱۹۶؛ فرائد السمطین، جوینی شافعی: ۲۰/ ۳۱۵ - ۳۱۰، احادیث ۵۶۹ - ۵۶۱؛ منتخب الاثر، شیخ لطف الله صافی گلپایگانی که روایات را از هر دو طریق جمع آوری کرده است.

او از نسل فاطمه (علیها السلام) (۱) و نهمین فرزند از نسل حسین (علیهم السلام) (۲) است. و این که جانشینان آن حضرت، دوازده نفر هستند. (۳)

ص: ۲۶

۱- (۱) - الحاوی للفتاوی / سیوطی: ۲/ ۲۱۴. او می نویسد: ابوداود و ابن ماجه و طبرانی و حاکم از ام سلمه روایت کرده اند: از رسول خدا شنیدم که می فرماید: مهدی از عترت من از فرزندان فاطمه است. برای مطالعه بیشتر به صحیح سنن المصطفی، ابی داوود: ۲/ ۲۰۸ و سنن ابن ماجه: ۲/ ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶ مراجعه کنید.

۲- (۲) - حدیث: المهدی من ذریه الحسین\* چنان که در معجم احادیث المهدی و در الاربعون حدیثاً، تألیف ابونعیم اصفهانی و در عقد الدرر مقدسی شافعی آمده است. و طبرانی در الاوسط آن را از المنار المنیف، تألیف ابن قیّم نقل کرده و در السیره الحلبیه: ۱/ ۱۹۳ و القول المختصر، ابن حجر هیتمی آمده است. همچنین به منتخب الاثر، شیخ لطف الله صافی گلپایگانی که روایات را از طریق شیعه نقل کرده مراجعه نمایید و به کتاب دفاع عن الکافی: ۱/ ۲۹۶، تألیف عمیدی مراجعه کنید که به دلایل ضعف روایتی را که مهدی را از فرزندان حسن\* می داند، اشاره کرده است.

۳- (۳) - حدیث: خلفای بعد از من دوازده نفر و همگی از قریش هستند، یا: این دین تا زمانی که دوازده نفر که همگی از قریش هستند به ولایت برسند، پا برجاست، از روایات متواتری است که به طرقهای متعدّد در صحاح و مسانید با اختلاف کمی در الفاظ ذکر گردیده است، البتّه در تأویل و تفسیر آن اختلاف و اضطرابی به وجود آمده است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: صحیح بخاری: ۹/ ۱۰۱، کتاب الاحکام، باب الاستخلاف؛ صحیح مسلم: ۴/ ۶، کتاب الاماره، باب الاستخلاف؛ مسند احمد: ۵/ ۹۷، ۹۳ و ۹۰.

این پنج دسته از روایات متظافر، در صدد تبیین مفهوم مهدویت و تشخیص حضرت مهدی (عج) می باشند و کسی که در آنها دقت کند، در می یابد که به تدریج، تخصیص بیشتری یافته اند تا این که در شخص معینی متمرکز شده اند.

شهید صدر (قدس سره) در توضیح این روایات، فرموده است:

«این روایات به درجه بالایی از کثرت و انتشار رسیده اند، در حالی که ائمه (علیهم السلام) جانب احتیاط و تقیه را در سطح عمومی رعایت می کردند تا آن وجود عزیز، در معرض تعرض و دشمنی قرار نگیرد».<sup>(۱)</sup>

باید اضافه کرد که تنها کثرت روایات، معیار قبول آنان نیست بلکه علاوه بر آن، دلایل و نشانه های دیگری وجود دارد که صحت آنها را مستدل می سازد. برای مثال حدیث شریف نبوی که می فرماید:

«خلفای بعد از آن حضرت، دوازده امام، یا خلیفه، یا امیر هستند».

با عنایت به اختلافی که در متن حدیث در طرق مختلف وجود دارد، در بیش از ۲۷۰ روایت نقل شده است (۲) که در مشهورترین

ص: ۲۷

---

۱- (۱) - ر.ک: الغیبه الکبری، محمد صدر: ۲۷۲ و ما بعدها.

۲- (۲) - التاج الجامع للاصول: ۳/ ۴۰. وی می گوید: این را مسلم، بخاری و ترمذی روایت کرده اند و برای بررسی حدیث و طرق آن، به کتاب الامام المهدی تألیف علی محمد علی دخیل مراجعه کنید.



کتابهای شیعه و سنی آمده است و از جمله در صحیح بخاری، (۱) مسلم (۲)، ترمذی، ابوداؤد، مسند احمد (۳) و مستدرک علی الصحیحین (۴) نقل شده است.

و نکته قابل توجه این است که: بخاری که این حدیث را نقل کرده است، معاصر امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم السلام) بوده است و این بسیار معنا دارد؛ زیرا ثابت می کند که این حدیث، زمانی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده و در کتابها نوشته شده است که هنوز تمام دوازده امام (علیهم السلام) به صورت بالفعل به امامت نرسیده بودند و این جای شک و تردیدی نمی گذارد که نقل حدیث، بیانگر واقعیتی بوده است که بعدها در دوازده امام (علیهم السلام) متحقق می شود؛ چرا که احادیث دروغین که به پیامبر نسبت داده شده برای توجیه حوادثی است که در دوره های بعد رخ داده ولذا در متون حدیثی ثبت نشده اند، پس حدیث ائمه دوازده گانه، نقل واقعیتی خارجی

ص: ۲۸

- 
- ۱- (۱) - صحیح بخاری: ۹ / ۱۰۱، کتاب الاحکام، باب الاستخلاف، چاپ دار إحياء التراث العربی - بیروت.
  - ۲- (۲) - التاج الجامع للاصول: ۳ / ۴۰ و در تعقیب حدیث می نویسد: این را مسلم، و بخاری و ترمذی نقل کرده اند. و در حاشیه آورده است: این را ابوداؤد در کتاب المهدی چنین آورده است: لا يزال هَذَا الدین قائماً حَتَّى يَكُونَ عَلَيْكُمْ إِثْنِ عَشْرَ خَلِيفَةٍ.... و همچنین به سنن ابوداؤد: ۲ / ۲۰۷ مراجعه کنید.
  - ۳- (۳) - مسند امام احمد: ۶ / ۱۹۹ ح ۲۰۳۵۹.
  - ۴- (۴) - المستدرک علی الصحیحین: ۳ / ۶۱۸.

نبوده است بلکه تعبیری از حقیقتی الهی بوده است که از زبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که - جز حقّ نمی گوید- (۱) خارج شده است و او فرموده است:

«إِنَّ الْخُلَفَاءَ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ» (۲)

«جانشینان من، دوازده نفر هستند».

این ائمه از امام علی (علیهم السلام) شروع شدند و به حضرت مهدی (عج) خاتمه یافتند و همین تنها تطبیق معقول (۳) برای این حدیث شریف نبوی است. (۴)

مسلم در صحیح خود از طریق قتیبه بن سعید، از جابر بن سمره روایت کرده است:

«همراه پدرم به دیدار پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفتم. شنیدم که آن حضرت (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمُضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً ؛ این امر تمام نمی شود تا دوازده

ص: ۲۹

---

۱- (۱) - چنان که خداوند در سوره نجم (۴۳) می فرماید: وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ.

۲- (۲) - امالی صدوق: ۳۸۷.

۳- (۳) - پس از آن که علما و محدثان بر صحّت این روایت اتفاق نظر کرده اند، در تأویل و تطبیق آن دچار اختلاف شده و مصادیقی را ذکر کرده اند که قبول آن ممکن نیست و بلکه غیر معقول است؛ چنان که بعضی، یزید بن معاویه که شارب الخمر و متجاهر به فسق بوده است را جزء ائمه دوازده گانه دانسته اند!!

۴- (۴) - بحث حول المهدی / شهید صدر: ۱۰۷ - ۱۰۵، به تحقیق دکتر عبدالجبار شراره.

جانشین به خلافت برسند، سپس سخن دیگری را آهسته تر گفت که آن را نشنیدم. از پدرم پرسیدم: چه فرمود؟ گفت که فرمود:

كَلِّمُوا مِن قَرِيشٍ؛ همگی از قریش هستند». (۱)

سپس آن را از ابن عمر، از جابر بن سمره و از طریق هداب بن خالد، نصر بن علی جهضمی و محمد بن رافع، از جابر بن سمره نقل کرده است. و آن را به دو طریق از ابی بکر بن ابی شیبه، از جابر و به دو طریق از قتیبه بن سعید، از جابر نقل کرده است؛ چنان که می بینیم تنها در صحیح مسلم این روایت از نه طریق ذکر شده است و اگر به کتابهای شیعه و سنی مراجعه کنیم، خواهیم دید که از طرق بسیاری، نقل شده است. (۲)

ص: ۳۰

۱- (۱) - صحیح مسلم: ۳/۶، کتاب الاماره، باب الناس تبع لقریش.

۲- (۲) - صحیح بخاری: ۱۶۴/۴، کتاب الاحکام، باب الاستخلاف؛ مسند احمد: ۹۴/۶ احادیث ۲۰۵۳۴، ۲۰۵۰۳، ۲۰۴۴۳، ۲۰۴۱۶، ۲۰۳۶۷، ۲۰۳۶۶، ۳۲۵؛ سنن ابوداود: ۱۰۶/۴، ح ۴۲۸۰، ۴۲۷۹؛ المعجم الکبیر، طبرانی: ۱۹۹۶/۲ و ۲۳۸؛ سنن ترمذی: ۲۴/۴؛ ۵۰۱؛ مستدرک حاکم: ۶۱۸/۳؛ حلیه الاولیاء، ابونعیم: ۳۳۳/۴؛ فتح الباری: ۲۱۱/۱۳؛ صحیح مسلم به شرح نووی: ۲۴/۱۲ (در تفسیر آیه ۱۲ از سوره مائده)؛ کتاب السلوک فی دول الملوک، مقریزی: ۱۵/۱ - ۱۳ (از قسمت اول)؛ شرح الحافظ ابن قیم الجوزیه علی سنن ابی داود: ۳۶۳/۱۱ (شرح حدیث ۴۲۵۹)؛ شرح العقیده الطحاویه: ۷۳۶/۲؛ الحاوی للفتاوی، سیوطی: ۲/۸۵؛ عون المعبود فی شرح سنن ابی داود، عظیم آبادی: ۳۶۲/۱۱ (شرح حدیث ۴۲۵۶)؛ مشکاه المصابیح، تبریزی: ۵۹۸۳/۳، ۳۲۷؛ السلسله الصحیحه، الالبانی، حدیث شماره ۳۷۶؛ کنز العمال: ۳۲/۱۲، ح ۳۳۸۴۸ و ج ۳۳/۱۲، ح ۳۸۵۸ و ج ۳۴/۱۲، ح ۳۳۶۱. همچنین این حدیث را محدثان شیعه نقل کرده اند که از جمله صدوق در کمال الدین: ۲۲/۱ و خصال: ۴۷۵/۲ و ۴۶۹. و در کتاب احقاق الحق: ۱۳/۵۰-۱ طرق متعدّد حدیث و روایات آن نقل شده است.

سؤالی که در مورد حدیث مطرح می شود، این است که این جانشینان دوازده گانه چه کسانی هستند؟

قبل از آن که جواب این سؤال را بدهیم، احتمالات متصور در مورد جواب آن را مطرح کنیم.

روشن است که در این جا دو احتمال داده می شود:

۱- احتمال دارد که مقصود پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیان واقعیت سیاسی جامعه باشد که بعد از وی اتفاق خواهد افتاد؛ چنان که پیشگوییهای بسیاری از آن حضرت (صلی الله علیه و آله) در مورد حوادث دیگری صادر شده بود و این هم یکی از پیشگوییهای آن حضرت (صلی الله علیه و آله) درباره آینده سیاسی امت اسلامی بوده است که می توانیم اسم این احتمال را (تفسیر خبر از آینده) بگذاریم.

۲- احتمال دارد که مقصود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) صدور بیانیته ای برای تعیین ائمه و جانشینان دوازده گانه بعد از خود باشد و مفاد این حدیث، مفاد انشا و نصب بر طبق اقتضای شریعت اسلامی بوده

است، نه فقط خیردادن از آینده سیاسی امت اسلامی که می توانیم این احتمال را «تفسیر عقایدی» بنامیم.

بحث علمی، چنین اقتضا می کند که هر دو احتمال را بررسی کنیم و هر کدام را که مورد تأیید شواهد، ادله و براهین عقلی و نقلی قرار گرفت، اختیار کنیم، اما از آن جا که پیروان خلفا از همان ابتدا به شرعیت نظام خلافت ملتزم شده اند، نظریه تعیین و نصب را کنار گذاشته اند! و بر این اساس، نظام کلامی و فقهی خویش را بنیان نهاده اند! چون در جلوه خود فقط یک احتمال را دیده اند که راه فراری از آن نداشته اند، لذا به تأویل و توجیه احتمالات دیگر پرداخته اند، اگر چه این توجیها، ضعیف و به دور از عقل و منطق باشد!

در حالی که می بایست با نگاهی عالمانه و به دور از هر گونه قضاوت قبلی، به بررسی حدیث می پرداختند تا خود به عدم صحت «تفسیر خبر از آینده» پی ببرند.

در این جا از آنان سؤال می شود که اگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در صدد پیشگویی و بیان واقعیاتی که اتفاق می افتد، بوده است، چه انگیزه ای داشته است که تعداد خلفا را در دوازده نفر محدود کند، در حالی که در آینده بیش از این تعداد به حکومت رسیده اند؟ و اگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به خلافت صحیحی که مطابق با موازین شرعی باشد، اشاره داشته است، پیروان خلفا بر شرعیت و صحت

حکومت هیچ کدام از خلفا غیر از خلفای چهارگانه اجماع و اتفاق نظر پیدا نکرده اند؛ از این رو، در تشخیص و تعیین خلفای دوازده گانه دچار حیرت و سرگردانی شده اند.

برای مثال، خلفای دوازده گانه در نظر ابن کثیر عبارتند از:

«خلفای چهارگانه، عمر بن عبدالعزیز، بعضی از بنی عباس و گفته است که ظاهراً مهدی نیز از این افراد می باشد». (۱)

و قاضی دمشقی گفته است که:

«این دوازده نفر عبارتند از: خلفای چهارگانه، معاویه، یزید بن معاویه، عبدالملک بن مروان و فرزندان چهارگانه اش: ولید، سلیمان، یزید و هشام و آخرین آنان عمر بن عبدالعزیز بوده است». (۲)

و به نظر ولی الله محدث - چنان که در قره العینین گفته و در عون المعبود از آن نقل گردیده است - اینان عبارتند از:

«خلفای چهارگانه: معاویه، عبدالملک بن مروان، فرزندان چهارگانه اش، عمر بن عبدالعزیز و ولید بن یزید بن عبدالملک».

سپس از مالک بن انس نقل کرده است که او «عبدالله بن زبیر» را نیز در این جمع داخل کرده است، اما خودش سخن مالک را رد کرده و گفته است:

ص: ۳۳

---

۱- (۱) - تفسیر القرآن الکریم، ابن کثیر: ۲/ ۳۴ (در تفسیر آیه دوازدهم از سوره مائده).

۲- (۲) - شرح العقیده الطحاویة، قاضی دمشقی: ۲/ ۷۳۶.

«از عمر و عثمان، از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که حکومت ابن زبیر یکی از مصیبت‌های بزرگ این امت است.»

سپس قول کسانی که «یزید» را در این جمع داخل کرده اند، رد نموده و گفته است:

«او مردی فاسق و بدنام بود». (۱)

ابن قیّم جوزیه گفته است:

«و اما جانشینان آن حضرت (صلی الله علیه و آله) دوازده نفر هستند. عده ای از علما و از جمله ابوحاتم و ابن حبان و غیره گفته اند: آخرین آنان عمر بن عبدالعزیز بوده است؛ به این ترکیب که خلفای چهارگانه، معاویه، یزید بن معاویه، معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان، ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک و سپس عمر بن عبدالعزیز را شمرده اند. عمر بن عبدالعزیز در صدمین سال هجری از دنیا رفت و این قرن از بهترین قرنهای امت اسلام و دین در این قرن، در نهایت عزّت و سربلندی بود و بعد از آن، مصیبت‌ها و رنج‌ها جهان اسلام را فرا گرفت». (۲)

نور بشتی می نویسد:

ص: ۳۴

---

۱- (۱) - عون المعبود فی شرح سنن ابی داوود: ۱۱/۲۴۶، شرح حدیث ۴۲۷؛ کتاب المهدی، چاپ دارالکتب الاسلامیه.

۲- (۲) - عون المعبود فی شرح سنن ابی داوود: ۱۱/۲۴۵.

«مفهوم این حدیث و امثال آن این است که: خلافت دوازده گانه بر کسانی که عادل بوده اند، حمل شود؛ زیرا تنها آنانند که مستحقّ خلافت واقعی هستند».<sup>(۱)</sup>

مقریزی می نویسد:

«آنان عبارتند از: خلفای چهارگانه، سپس امام حسن (علیهم السلام) که به وسیله او خلفای راشدین به اتمام می رسند».

او هیچ کدام از بنی امیه را داخل این دوازده نفر نکرده و تصریح کرده است که خلافت پس از امام حسن (علیهم السلام) به سلطنت و پادشاهی ظالمانه تبدیل شد و در آن، انواع مشکلات و سختیها بر مردم تحمیل گردید؛ چنان که هیچ کدام از بنی عباس را جزء این دوازده نفر ندانسته و تصریح کرده است:

«در زمان ایشان، اتحاد اسلام از هم متلاشی شد و اسم عربها از دیوان حذف و اسم ترکها ثبت شد و دیلمیان و سپس ترکها بر ممالک اسلامی حاکم شدند و دولتهای بزرگ تشکیل دادند و سرزمین پهناور اسلامی تقسیم شد و هر کس گوشه ای از آن را زیر سلطه خود گرفته و با زور چماق بر آنان حکومت می کرد».<sup>(۲)</sup>

ص: ۳۵

---

۱- (۱) - عون المعبود فی شرح سنن ابی داوود: ۱۱/ ۲۴۴.

۲- (۲) - السلوک لمعرفة دول الملوک: ۱/ ۱۵۱۳ (قسمت اول).



با این اوضاع مشاهده می شود که پیروان خلفا در تفسیر این حدیث تا چه میزان دچار اضطراب و اختلاف شده اند و در باتلاقیهای افتاده اند که خروج از آن برایشان ممکن نبوده و این بدان خاطر بوده است که بر «تفسیر خبر از آینده» اصرار می ورزیده اند.

سیوطی می نویسد:

«تا کنون دوازده خلیفه شناخته نشده اند که تمام امت اسلام بر آنان اتفاق نظر داشته باشند». (۱)

اگر «تفسیر خبر از آینده» صحیح و مورد قبول بود، هر آینه صحابه آن حضرت (صلی الله علیه و آله) قبل از دیگران بدان ایمان می آوردند و آثار آن بلافاصله پس از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بر زبان خلفا ظاهر می گشت و اولی می گفت: «من اولین خلیفه دوازده گانه هستم» و همین طور تا دوازدهمی، این را اعلام می کردند و این ادعا را افتخاری برای خود و شاهی برای اثبات شرعیت خلافت خود می پنداشتند، در حالی که تاریخ، هیچ گونه ادعایی را از افرادی که در سلسله فرضی خلفای دوازده گانه آمده اند، ثبت نکرده است.

علاوه بر این، باید گفت: احادیثی دلالت می کند که زمان خلافت این خلفای دوازده گانه تمام طول تاریخ را در بر می گیرد و

ص: ۳۶

در نهایت خلافت آنان، زمین، اهل خود را فرو می برد و می بلعد؛ چنان که اهل سنت از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت کرده اند:

«این دین تا زمانی پابرجا می ماند که دوازده نفر از قریش بر آن حکومت کنند، پس از آن که همگی از دنیا رفتند، زمین اهل خودش را فرو می برد»<sup>(۱)</sup>.

این در حالی است که پس از مرگ عمر بن عبدالعزیز، زمین اهل خودش را فرود نبرد بلکه انتشار علوم دینی از قبیل: فقه، حدیث، تفسیر در قرنهای سوم و چهارم گسترش یافت و پس از مرگ خلفای دوازده گانه در نظر پیروان خلفا علوم دینی، گسترش و شمول بیشتری یافت، در حالی که فرض بر این بوده است که پس از مرگ این دوازده نفر، زمین ساکنان خود را بلعد.

همچنین از جابر بن سمره روایت کرده اند:

«امور این امت همچنان پابرجا است و بر دشمن خود غلبه پیدا می کنند تا دوازده خلیفه که همگی از قریش هستند، خلافت کنند، پس از آن، هرج و مرج عالم را فرا می گیرد»<sup>(۲)</sup>.

اگر منظور از «هرج و مرج»، فشار و اختناق است، امت اسلام نیرنگی را عظیم تر از فتنه معاویه و خروج او علیه خلیفه مسلمین

ص: ۳۷

---

۱- (۱) - کنز العمال: ۳۴ / ۱۲، ح ۳۳۸۶۱ (این روایت را ابن نجار، از انس نقل کرده است).

۲- (۲) - کنز العمال: ۳۲ / ۱۲، ح ۳۳۸۴۸.

نمی شناسد. همین دلالت می کند که منظور از هرج و مرج، فتنه بزرگتری است و شاید که منظور، کنار گذاشتن دین به طور کلی باشد و این اتفاق نمی افتد، مگر در نزدیکیهای قیامت که در آن هنگامه حضرت مهدی (عج) ظهور می کند و پس از حوادث و جریاناتی، به شهادت می رسد و به رفیق اعلی می رود.

در این جا باید از پیروان خلفا پرسید که وارد کردن پادشاهان در فهرست خلیفه های دوازده گانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) چه معنایی دارد؟ اهل سنت از سعد بن ابی وقاص - که یکی از عشره مبشره و از اعضای شورایی است که عمر بن خطاب آنان را معین کرده بود - نقل کرده اند که وی بر معاویه وارد شد، در حالی که از بیعت با او خودداری ورزیده بود. او پس از ورود گفت:

«سلام بر تو ای پادشاه! معاویه گفت: آیا غیر از این نمی توانستی بگویی؟ شما مؤمن هستید و من امیر شما هستم. گفت: درست است، در صورتی که ما تو را امیر خود کرده بودیم! و در لفظ دیگری آمده است که گفت: ما مؤمن هستیم، اما تو را امیر خود قرار ندادیم».

عایشه نیز ادعای خلافت معاویه را انکار می کرد؛ چنان که ابن عباس و امام حسن (علیهم السلام) حتی بعد از صلح آن را انکار می کردند. (۱)

ص: ۳۸

او به اتفاق نظر از بغات و طغیانگران بوده است؛ چنان که پیامبر(صلی الله علیه و آله) در روایتی فرموده بود: «ای عمار! تو را گروه طغیانگر به شهادت می رسانند»، با این حال نمی دانیم که چه طور عده ای، فردی طغیانگر را خلیفه شرعی پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) بر مؤمنین می دانند؟!

همچنین باید پرسید که معنای بر شمردن یزید در فهرست خلفای دوازده گانه چیست؟ مگر او فاجر، فاسق و شرابخوار علنی نبوده است؟! چگونه یک مسلمان می تواند، متجاهر به فسقی را که اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را در کربلا به شهادت رسانید و بعد از «واقعه حرّه»، ده هزار نفر از مردم مدینه را قتل عام کرد و هیچ یک از بدریون را باقی نگذاشت، جانشین رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بداند؟

همین سؤال در مورد شجره ملعونه بنی امیه مطرح می شود که قرآن به آنان تصریح کرده است و رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در رؤیای صادق مشاهده کرد که «بنی امیه همانند میمون بر منبرش بالا می روند» و این مطلبی است که اکثر مفسران اهل سنت در ذیل آیه شصت از سوره اسراء بدان اشاره کرده اند و نیازی به نقل قول یکایک آنان نیست.

پس، از این توضیحات، می توان سه نتیجه گرفت:

۱- قولی که تفسیر حدیث خلفای دوازده گانه قریش را «تفسیر خبر از آینده» می داند، قولی مردود و ادعایی باطل است.

۲- عوامل سیاسی باعث شده است که پیروان خلفا به این تفسیر روی بیاورند.

۳- حقیقت شرعی تنها در گروهی «تفسیر عقایدی» از این حدیث می باشد که قایل به انشایی بودن حدیث و دلالت آن بر انتصابی بودن دوازده جانشین از سوی خدای متعال دارد. و این تفسیر به وسیله ادله عقلی و نقلی از قرآن و روایت، مورد تأیید است و به طور مبسوط در علم تفسیر و حدیث و کلام و تاریخ، مطرح گردیده و بر صحت آن استدلال شده است.

در تاریخ، معلوم شده است که ائمه دوازده گانه از اهل بیت رسول الله (صلی الله علیه و آله) تنها مصداق روایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند که هیچ کس حتی در مقام ادعا با آنان منازعه نکرده است. اولین آنان حضرت علی (علیه السلام) و آخرین آنان حضرت مهدی (عج) است و در این زمینه روایات بسیاری وارد شده است و در این جا به یکی از آنها اشاره می کنیم.

جوینی شافعی در فرائد السمطين، از ابن عباس، از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است:

«من سید الأنبياء هستم و علی ابن ابی طالب، سید الوصیین است و جانشینان من دوازده نفر هستند که اولین آنان علی ابن ابی طالب و آخرین شان مهدی (عج) است.» (۱)

ص: ۴۰

---

۱- (۱) - فرائد السمطين: ۲/ ۳۱۳، ح ۵۶۴.

از همین روایات، بعضی از محققان (۱) احتمال داده اند که آنچه کتابهای روایی نقل کرده اند، مبنی بر این که بعضی از سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر جابرین سمره مخفی ماند و او از پدرش درباره آن سؤال کرد و پدرش گفت پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «همگی از قریش هستند»؛ مورد تحریف واقع شده است؛ زیرا روایات، دلیل مخفی ماندن سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) را شلوغ کردن مردم و فریاد کشیدن آنان و ضجه و ناله کردن مردم و تکبیر گفتن ایشان و از جای برخاستن مردم و... دانسته است، در حالی که این تعلیلهای با عبارتی که جابرین سمره آن را شنیده است، هیچ تناسبی ندارد؛ زیرا قرارداد خلافت در قریش، امری بوده است که آنان را خوشحال می کرد و باعث داد و فریاد و به هم ریختن جلسه نمی شده است.

و آنچه متناسب با این حالت می باشد، این است که امامت و خلافت را در گروه خاصی غیر از قریش قرار داده باشد و این، همان چیزی است که قندوزی در ینابیع الموده آن را روایت کرده است. او نقل می کند عبارتی را که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود، این بود:

«همه آنان از بنی هاشم هستند». (۲)

پس از آن که بطلان «تفسیر خبر از آینده» برای حدیث خلیفه های دوازده گانه از سویی ثابت شد و از سوی دیگر، حقایق

ص: ۴۱

---

۱- (۱) - الغدير و المعارضون، سيد جعفر مرتضى عاملی: ۷۷ - ۷۰.

۲- (۲) - ینابیع الموده: ۱۰۴/۳، باب ۷۷.

تفسیر عقایدی به اثبات رسید و همچنین معلوم شد که اسم امام مهدی (عج) در این سلسله دوازده گانه است که خدا به وسیله او زمین را پس از آن که پر از ظلم و جور شده است، اصلاح می کند و پر از عدل و داد می نماید، دیگر مجالی برای شک در ثبوت مفهوم عقایدی برای مهدویت - که اهل بیت (علیهم السلام) بر آن اصرار می ورزند- باقی نمی ماند.

ارتباط عمیق مسأله مهدویت با مسأله خلافت ائمه دوازده گانه باعث می شود که بگوییم: «تفسیر خبر از آینده» با حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره جانشینان دوازده گانه تناسب ندارد و مسائل سیاسی باعث شده است که پیروان خلفا به این تفسیر روی بیاورند و از «تفسیر عقایدی» که امامت و جانشینی را منصوص می داند، کناره گیری کنند. در واقع آنان حدیث را بیانگر خبر از آینده قرار داده اند تا بتوانند مسأله سقیفه و شرعیت خلافت خلفای سه گانه را توجیه کنند. به دنبال آن مجبور شده اند که مسأله مهدویت را نیز به عنوان خبر از آینده و یک پیشگویی صرف، تلقی کنند تا بدین ترتیب از قبول امامت ائمه دوازده گانه طفره برونند؛ چون قبول حقایق و صحت تفسیر عقایدی در مورد حدیث خلفای دوازده گانه، ثبوت حقایق مفهوم عقایدی برای مسأله مهدویت را به دنبال دارد و این چیزی است که می خواهند از آن فرار کنند.

### اشاره

پس از آن که «تفسیر عقایدی» را برای مسأله مهدویت از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام) ثابت کردیم، وارد مرحله جدید می شویم و آن بحث در مورد ویژگیهای مترتب بر این مسأله است.

ما می خواهیم ثابت کنیم که این ویژگیها واقعی هستند و تحقق شرعی و تاریخی دارند و اعتقاد به آنها باعث خدشه ای در عقاید و جداسدن از تاریخ نمی گردد. این ویژگیها بدین شرح است.

### ویژگی اول: ولادت مخفیانه حضرت مهدی (عج) که مورد عنایت بوده و گریزی از آن وجود نداشته است

#### اشاره

با ثبوت مفهوم مهدویت از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام) روشن می شود که بارزترین مقتضیات این مفهوم، آن است که ولادت امام دوازدهم مخفیانه و سرّی باشد تا بعد از آن غیبت صورت بگیرد. مخفی شدن از نظرها و رفتن به جای امنی که خدا آن را اختیار کرده است، به این اعتبار می باشد که او آخرین ستاره آسمان امامت است و تا هنگامی که خدا بخواهد در پرده غیبت می ماند و لازمه این حکمت الهی، آن است



که وی زندگی مخفیانه، عمری طولانی و ولادتی سرّی داشته باشد تا بدین ترتیب دوازدهمین حجت خدا در زمین باقی باشد، اگر چه از نظرها غایب است.

در این صورت، مناسبت ندارد که سؤال شود: چرا ولادت امام مخفیانه صورت پذیرفته است؟ و چرا وجود او بعد از پدرش برای همه معلوم و مشهود نبوده است تا بتوانیم به راحتی او را تصدیق کنیم؟ زیرا اگر چنین بود، غیبت و مخفی شدن از نظرها ممکن نبود و می بایست که تعداد ائمّه از این بیشتر باشد و این با احادیث نبویّه ای که نقل شد، موافقت ندارد، پس ولادت مخفیانه از مستلزمات و مقتضیات طبیعی ادله ای می باشد که از روایات نبوی فهمیده می شود.

این مباحث روشن می کند که اثبات خارجی قضیه ای همانند قضیه ولادت حضرت مهدی و وجود و زندگی اش، با بحثهای تاریخی صرف، امکان ندارد، به خصوص که این قضیه از همان اول کاملاً مخفیانه و سرّی بوده است بلکه این بحثی عقایدی و تاریخی است که عقیده در آن نقش اصلی را ایفا می کند و بحثهای تاریخی آن را تا حدّی تکمیل می کند. این قضیه به گونه ای بوده است که جز عدّه ای از شیعیان خاص، از آن آگاهی نداشته اند، لذا اگر از دیگران در این باره سؤال می شد، اظهار بی اطلاعی می کردند و یا آن را انکار می نمودند.

باید توجه داشت که ما در مورد حادثه ای محسوس صحبت نمی کنیم که تاریخ تمام زوایای آن را ثبت کرده باشد و ما بخواهیم اثبات یا انکار آن را بر اساس نقل قولهای تاریخی قرار دهیم بلکه درباره یکی از عقاید حقه ای بحث می کنیم که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار با علم غیب درباره آن خبر داده اند و از ناحیه بحثهای تاریخی فقط می توان به شواهدی که آن را اثبات می کند اکتفا کرد؛ چنان که برخی افراد برگزیده در مورد ولادت آن حضرت یا غیبت صغری و کبری گواهی و شهادت داده اند و در این جا به بعضی از این شواهد اشاره می شود.

### شواهد تاریخی بر وجود امام مهدی (علیهم السلام)

#### ۱- شهادت امام حسن عسکری (علیهم السلام) به ولادت پسرش امام مهدی (عج)

محمد بن یحیی، از احمد بن اسحاق، از ابوهاشم جعفری روایت کرده است:

«به ابومحمّد عرض کردم: هیبت و بزرگواری شما باعث می شود که نتوانم از شما سؤال کنم، آیا اجازه دارم از شما سؤال کنم؟»

ص: ۴۵

فرمود: آنچه می خواهی پیرس. عرض کردم: ای آقای من! آیا فرزندی دارید؟ فرمود: بله». (۱)

این حدیث، از جهت سند و دلالت، کامل و بی نقص است و محمد بن یحیی ابو جعفر عطار قمی از بزرگانی است که هنوز قبر شریفش زیارت می شود و کتابهای رجال، به عظمت و جلالت احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک بن احوص اشعری، ابوعلی قمی در پیشگاه امام حسن عسکری (علیهم السلام) شهادت می دهد و همچنین به منزلت داوود بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر ابن ابی طالب ابوهاشم جعفری شهادت می دهد. به علاوه، به واسطه های بسیار کم این حدیث باید توجه کرد که قُرب الاسناد است و این یکی از شواهد برای تأیید صحت حدیث است.

## ۲- شهادت قابله

او خواهر امام و عَمَّیة امام و دختر امام و علویة طاهره «حکیمه» دختر امام جواد، خواهر امام هادی و عَمَّیة امام حسن عسکری (علیهم السلام) بوده است که به ولادت امام مهدی (عج) شهادت داده است. (۲) او

ص: ۴۶

---

۱- (۱) - اصول کافی: ۱ / ۳۲۸، کتاب الحجّه، باب الاشارة و النص الی صاحب الدار.

۲- (۲) - اصول کافی: ۱ / ۳۳۰، کتاب الحجّه، باب تسمیه من رأه\*.

کسی بوده است که با اجازه امام حسن عسکری (علیهم السلام) قابله نرجس در شب میلاد بوده است. (۱)

### ۳- شهادت دیگران بر دیدن امام مهدی (عج)

منابع تاریخی لیست مفصّلی از اسامی کسانی که امام مهدی (عج) را دیده اند، ارائه نموده است. و بعضی از محققان، این اسامی را در کتابهای خاصّی جمع آوری کرده اند، مثل کتاب: تبصره الولی فیمن رأى القائم المهدی (عج) از سید هاشم بحرانی که در آن اسامی ۷۹ شخص را آورده است که به دیدن امام در طفولیت، یا ایام غیبت صغری شهادت داده اند و اسم منابعی را که بدانها اعتماد کرده آورده است.

و شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی، اسامی ۳۰۴ نفر از کسانی را که امام را دیده اند و شهادت داده اند، ذکر کرده است. (۲)

و شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هجری) نزدیک به ۶۴ نفر را نام برده است که امام را دیده اند و بسیاری از آنان از وکلای امام در شهرهای مختلف بوده اند. (۳)

ص: ۴۷

---

۱- (۱) - کمال الدین: ۲ / ۴۲۴ / باب ۴۲.

۲- (۲) - من هو المهدی؟ ابوطالب تجلیل تبریزی: ۵۰۶ - ۴۶۰.

۳- (۳) - کمال الدین: ۲ / ۴۴۲، باب ۴۳؛ بحار الانوار: ۵۲، ۳۰، باب ۲۶.

از جمله وکلایی که امام را دیده اند، عبارت بودند از: از آذربایجان: قاسم بن علاء؛ از اهواز: محمد بن ابراهیم بن مهزیار؛ از بغداد: حاجز بلاطی، عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری و عطار؛ از کوفه: عاصمی؛ از قم: احمد بن اسحاق؛ از نیشابور: محمد بن شاذان؛ از همدان: بسامی، محمد بن ابی عبدالله کوفی اسدی و محمد بن صالح.

اما غیر از وکلایی که امام را دیده اند، عبارت بودند از: از اصفهان: ابن باشاذله؛ از اهواز: حصینی؛ از بغداد: احمد بن حسن، اسحاق کاتب؛ از بنی نوبخت، ابو عبدالله خیبری، ابو عبدالله بن فروخ، ابو عبدالله کندی، ابوالقاسم بن ابی حلیس، ابوالقاسم بن دبیس، مسرور طایخ آزاد کرده ابوالحسن (علیهم السلام)، نیلی و هارون فزاری؛ از دینور: احمد بن اخی الحسن بن هارون و عمویش حسن بن هارون؛ از ری: ابو جعفر رفا، علی بن محمد، قاسم بن موسی، ابن القاسم بن موسی، ابو محمد بن هارون و محمد بن محمد کلینی؛ از قزوین: علی بن احمد و مرداس؛ از قم: حسن بن نصر، حسین بن یعقوب، علی بن محمد بن اسحاق، محمد بن اسحاق و محمد بن محمد؛ از مصر: ابورجا؛ از نصیبین: ابو محمد بن و جنای نصیبی؛ از همدان: جعفر بن همدان، محمد بن کشمرد و محمد بن هارون؛ از یمن: ابن اعجمی، جعفری، حسن بن فضل بن یزید، پدرش فضل بن یزید و شمشاطی.

همچنین از اهالی شهر زور، صیمره، فارس، قابوس و مرو نقل شده است که او را دیده اند.

به این ترتیب، آیا توافق این افراد از شهرهای مختلف و توطئه برای دروغگویی، معقول به نظر می رسد؟ در حالی که بین آنان افراد ثقه و صادقی هستند که کتابهای رجالی به ثقه بودن ایشان گواهی داده اند.

#### ۴- برخورد سلطنت عباسیان با این حادثه

بعد از شهادت امام حسن عسکری (علیهم السلام) حکومت ظالم عباسی آن چنان رفتاری با خانواده اش داشت که نشان می داد از مولودی که تولدش بر آنان مخفی مانده است، بسیار ترسیده اند، برای همین، با تمام امکانات به جستجو پرداختند تا بلکه او را بیابند و حتی معتمد عباسی که در سال ۲۷۹ قمری هلاک شد، به نیروهایش دستور داد که خانه امام حسن عسکری (علیهم السلام) را با دقت مورد بررسی و تفتیش قرار دهند تا شاید امام را بیابند و دستور داد که کنیزهای ابومحمّد (علیهم السلام) را محبوس نمایند و زنان وی را زیر نظر داشته باشند. و در این کار جعفر کذاب، برادر امام با ایشان همکاری می کرد! بدین ترتیب، خاندان و بازماندگان امام حسن عسکری (علیهم السلام) به رنج و

گرفتاری بزرگی مبتلا گردیده و عده ای اسیر و عده ای محبوس و عده ای تبعید شدند... (۱).

همه اینها در زمانی است که امام مهدی (عج) پنج ساله بود، اما برای معتمد عباسی عمر امام مهم نبود بلکه وی فهمیده بود که این مولود، کسی است که تاج و تخت سلطنت طاغوتیان را متلاشی خواهد کرد؛ زیرا این خبر، منتشر و شایع شده بود که دوازدهمین امام از اهل بیت (علیهم السلام) دنیا را از عدل و قسط پر خواهد کرد، پس از آن که از ظلم و جور پر شده است. و موضعگیری معتمد نسبت به امام همانند موضعگیری فرعون نسبت به موسی (علیهم السلام) بود که مادرش او را از ترس فرعون، در دریای نیل انداخت.

البته معتمد عباسی تنها پادشاهی نبود که این مطلب را فهمیده بود بلکه پادشاهان قبل از وی، از قبیل معتز و مهدی نیز این را فهمیده بودند و برای همین، امام حسن عسکری (علیهم السلام) نهایت مراقبت را به عمل می آورد تا خبر ولادت حضرت مهدی (عج) منتشر نشود و تنها خواص از آن اطلاع داشته باشند.

پادشاهان بنی عباس فهمیده بودند که حدیث جابر بن سمره نه بر ایشان و نه بر پادشاهان بنی امیه مطابقت دارد بلکه تنها مصداق آن، اهل بیت (علیهم السلام) هستند و برای همین از دوازدهمین امام، بسیار

ص: ۵۰

می ترسیدند و در غیر این صورت عاقلانه نبود که از طفلی پنج ساله بترسند.

آنان معتقد بودند که این طفل، همان «مهدی منتظر» است که روایات متواتر به آمدن او مژده داده اند؛ از این رو، کنیزان امام حسن عسکری (علیهم السلام) را محبوس کردند و قابله هایی فرستادند تا آنان را مورد بررسی قرار دهند تا مبادا حامله باشند و حتی بعضی از کنیزان را به مدت دو سال تحت مراقبت گرفتند و این در حالی بود که دائماً منزل امام را مورد تفتیش قرار می دادند و جاسوسانی اعزام می کردند تا اخبار منزل امام را جمع آوری و گزارش کنند.

در این جا این سؤال مطرح می شود که چرا سلطه حاکم، قول جعفر کذاب را نپذیرفت که می گفت:

«برادرش مرده و هیچ فرزندی از خود باقی نگذاشته است؟!».

آیا برای آنان این امکان وجود نداشت که ارث را به جعفر واگذار کنند و دست از این ظلمها و تفتیشهای دردآور بردارند؟

شاید گفته شود که: حکومت در پی آن بود که حق افراد دیگر را از میراث بپردازد و بدین جهت در صدد یافتن وارثان دیگر امام بود تا جعفر کذاب به تنهایی، با شهادت خود، وارث همه میراث نگردد!

در جواب باید گفت: از شأن یک حکومت به دور بود که چنین تصرفات و جستجوهای مضحکی را به راه بیندازد بلکه وظیفه

عباسی

ص: ۵۱



اقتضا می کرد که ادّعی جعفر کذاب را به یک دادگاه ارجاع دهد تا قاضی درباره ارث و میراث حکم صادر کند؛ زیرا در چنین موضوعی، قاضی می توانست که شهودی از قبیل: عمّه، مادر و کنیزان امام و خویشاوندان وی از بنی هاشم را احضار کند و سخنان مدّعی و منکر را بشنود و سپس حکم خود را صادر کرده و به قضیه خاتمه ببخشد.

اما گزارش سریع این قضیه به بالاترین مقام سلطنتی، قبل از آن که امام دفن شود و خروج قضیه از دایره قضاوت و داوری و تفتیش و تصرّفات بی رحمانه حکومت ظالمانه نشان می دهد که کارگزاران سلطنت عباسی، یقین کرده بودند که مهدی موعود، آخرین حلقه از حلقه های دوازده گانه اهل بیت (علیهم السلام) است، به خصوص که این روایت به صورت متواتر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده بود که:

«این دو - یعنی کتاب و عترت - از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند».

و معنای عدم ولادت مهدی، یا عدم استمرار حیاتش، انقراض عترت است و این چیزی است که هیچ کدام از پادشاهان عباسی - که خود را خلیفه مسلمین می دانستند - بدان قایل نبودند. (۱)

ص: ۵۲

## ۵- اعترافات علمای اهل تسنن به ولادت حضرت مهدی (عج)

اگر کسی به کتاب إلزام الناصب مراجعه کند، سخنان ۲۹ نفر از علمای اهل سنت را نقل کرده است که به بیش از صد صفحه می‌رسد. (۱) و شاید جامع‌ترین کتاب شیعی در این زمینه، کتاب «المهدی المنتظر فی نهج البلاغه» باشد که به وسیله مهدی فقیه ایمانی تألیف شده است. او در این کتاب، اسامی ۱۰۲ نفر از علمای اهل سنت را آورده است که به ولادت حضرت مهدی (عج) اعتراف کرده‌اند. (۲)

این در حالی است که وی اسامی نزدیک به سی نفر از علمای اهل سنت را ذکر نکرده است و دیگران این اسامی را در کتابهای خود آورده‌اند (۳).

ثامر عمیدی، این اعترافات را به حسب زمان مرتب نموده است تا تواتر و اجماع علمای اهل سنت را بیشتر آشکار سازد. (۴)

ص: ۵۳

---

۱- (۱) - إلزام الناصب فی اثبات الحجّه الغائب، شیخ علی یزدی حائری: ۱ / ۴۴۰ - ۳۲۱.

۲- (۲) - المهدی المنتظر فی نهج البلاغه، شیخ مهدی فقیه ایمانی: ۳۰ - ۱۶.

۳- (۳) - الامام الثانی عشر، سید محمد سعید موسوی: ۷۰ - ۲۷. محقق کتاب، اسامی سی نفر دیگر از علمای اهل سنت را در حاشیه کتاب، صفحه ۸۹ - ۳ نقل کرده است؛ المهدی الموعود المنتظر عند اهل السنّه و الامامیه، شیخ نجم الدین عسکری: ۱ / ۲۲۶ - ۲۲۰.

۴- (۴) - دفاع عن الکافی: ۱ / ۵۶۸.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

